

سرزمین وحی

مرتضیٰ فہیم کرمانی

فہیم کرمانی، مرتضیٰ، ۱۳۱۳ھ -

سرزمین وحی: راہنمای مکہ معظمہ و مدینہ منورہ / مؤلف مرتضیٰ فہیم کرمانی۔ -

قم: دارالنور، ۱۳۸۴

۵۶۰ ص.

ISBN: ۹۶۴-۸۱۳۸-۱۴-۱

بہاء: ۱۵۰۰۰ ریال

کتابنامہ بہ صورت زیر نویس

۱. حج ۲. مکہ - راہنما ۳. مدینہ - راہنما

الف. عنوان ب. راہنمای مکہ معظمہ و مدینہ منورہ

س. ۹۲۹ ف ۲۹۷/۳۵۷

BP ۱۸۸۸ / ف ۹



انتشارات دارالنور

عنوان: راہنمای مکہ معظمہ و مدینہ منورہ

مؤلف: مرتضیٰ فہیم کرمانی

نشر: دارالنور

چاپخانہ: شریعت

نوبت چاپ: اول ناشر، بہار ۱۳۸۴

قطع: جیبی

شمارگان: ۳۰۰۰

بہاء: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۱۳۸-۱۴-۱

مرکز بخش: قم - بلوار شہید محمد منتظری - نرسیدہ بہ پل نیرو گاہ

ساختمان شہاب - انتشارات دارالنور -

تلفن ۷۷۳۷۴۶۹

حق چاپ محفوظ است.



فهرست مطالب



۱۸		مقدمه چاپ دوم
۱۹		مقدمه
۲۰		اهمیت زیارت
۲۲		زیارت مبارز ساز است
۲۷		دشمنان زیارت
۳۰		قضاتی که از اهل سنت «ابن تیمیه» را تکفیر کرده‌اند
۳۲		توسل و استشفاع از رسول خدا ﷺ

بخش اول: مکه‌ی مکرمه

۳۹		فصل اول: نخستین گام به سوی خدا
		فصل دوم: یک توصیه به کسی که برای نخستین بار به زیارت
۴۱		خانه‌ی خدا می‌رود
۴۳		فصل سوم: معنای حج
۴۶		فصل چهارم: معنای عمره
۴۶		عُمَرَة
۴۹		فصل پنجم: میقات
۴۹		۱- مسجد شجره
۵۱		مسجد مُعَرَّش

۵۲	 ۲- جحفه
۵۵	 فصل ششم: احرام
۵۷	 چهار پایه‌ی مثبت
۶۲	 مستحبات احرام
۶۴	 دعای تلبیه هنگام احرام
۶۵	 فصل هفتم: محرمات احرام
۶۵	 محرمات احرام یا درس‌های متقی
۷۰	 محرمات احرام
۷۰	 بخش اول: جدال با حیوانات
۷۲	 بخش دوم: جدال با گیاهان
۷۲	 بخش سوم: جدال انسان با انسان
۷۳	 بخش چهارم: جدال انسان با خودش
۷۸	 شهوات غفلت آور
۸۸	 فصل هشتم: شناسایی مکه
۸۸	 مکه‌ی مکرمه
۸۹	 فضائل مکه
۸۹	 اسامی مکه
۹۰	 وجه تسمیه یا علت نامگذاری
۹۲	 چرا مکه را «بَکّه» گفته‌اند؟
۹۳	 چرا مکه را «ام القرى» نامیده‌اند؟
۹۵	 چرا مکه را بلدالامین گفته‌اند؟
۹۶	 فصل نهم: شناسائی مسجدالحرام

مسجد الحرام	۹۶
زمان مروان و نماز استادهای	۱۰۱
دوران خلفای عباسی	۱۰۲
دوران سعودی‌ها	۱۰۴
درهای مسجد الحرام	۱۰۵
فصل دهم: شناختی از کعبه و ارکان آن	۱۰۸
۱- مختصری از سیر تاریخی کعبه	۱۰۸
دو حادثه‌ی شگفت انگیز	۱۱۱
۲- پرده‌ی کعبه	۱۱۲
۳- ارکان کعبه	۱۱۶
۴- حجر اسماعیل	۱۱۷
بهترین جاهای مسجد	۱۱۹
۵- ناودان طلا	۱۲۱
آب ناودان و شفای بیماران	۱۲۲
۶- مَفْجَنَة	۱۲۴
۷- مُلْتَزَم	۱۲۵
۸- مستجار	۱۲۶
۹- حَطِیم	۱۲۶
۱۰- حجر الاسود	۱۲۷
چرا حجر را استلام کنیم؟	۱۳۲
فصل یازدهم: آداب ورود به مسجد الحرام	۱۳۶
دعای هنگام ورود به مسجد الحرام	۱۳۶

- دعاء هنگام دیدن کعبه ۱۳۷
- فصل دوازدهم: طواف ۱۴۱
- طواف حج ۱۴۲
- طواف هفت دور است ۱۴۶
- دعا در حال طواف ۱۴۷
- ۱- دعای مقابل حجرالاسود ۱۴۷
- ۲- دعای مقابل در کعبه ۱۴۸
- ۳- دعای مقابل حجر اسماعیل ۱۴۸
- ۴- دعای بعد از حجر اسماعیل ۱۴۸
- ۵- دعای مقابل رکن یمانی ۱۴۹
- ۶- دعای بین رکن یمانی و حجرالاسود ۱۴۹
- ۷- دعای در حال طواف ۱۵۰
- ۸- دعای دور هفتم کنار مستجار ۱۵۱
- ۹- دعای هنگام استلام رکن یمانی ۱۵۲
- ۱۰- دعای هنگام استلام حجرالاسود ۱۵۲
- احکام طواف ۱۵۲
- فصل سیزدهم: مقام ابراهیم ۱۵۹
- ۱- مقام ابراهیم ۱۵۹
- سه سنگ بهشتی ۱۶۱
- یک نکته ۱۶۲
- ۲- نماز طواف ۱۶۳
- ۳- چاه زمزم ۱۶۸

۱۷۴	فصل چهاردهم: صفا و مروه
۱۷۴	۱- صفا
۱۷۷	۲- مروه
۱۸۱	برخی از احکام فقهی سعی
۱۸۲	و اینک بخشی از مستحبات آن
۱۸۷	تقصیر
۱۸۹	فصل پانزدهم: احرام حج تمتع
۱۹۰	۱- احرام حج
۱۹۱	۲- وقوف در عرفات
۱۹۷	احکام وقوف در عرفات
۱۹۹	مستحبات عرفات
۲۰۰	مسجد نَمَرَه
۲۰۴	جَبَلُ الرَّحْمَةِ
۲۰۶	فصل شانزدهم: وقوف در مشعرالحرام
۲۱۲	احکام فقهی مشعرالحرام
۲۱۵	مسجد مشعرالحرام
۲۱۷	فصل هفدهم: منی
۲۱۷	۱- مدرسه‌ی «منی»
۲۲۴	۲- جمره‌های سه‌گانه
۲۲۵	واجبات منی
۲۲۸	۳- قربانی
۲۲۹	قربانی از سه دیدگاه

فصل هیجدهم: هَذِي مَيْسُور	۲۳۶
هَذِي مَيْسُور	۲۳۶
زمان قربانی	۲۳۷
مکان قربانی	۲۳۸
عذر شرعی تکلیف را عوض می کند	۲۴۰
دعای قربانی	۲۴۵
فصل نوزدهم: مساجد و اماکن متبرکه	۲۴۶
۱- مسجد خیف	۲۴۶
۲- مسجد کُتَش	۲۴۸
۳- مسجد کوثر	۲۵۰
۴- غار مرسلات	۲۵۰
۵- مسجد البیعة	۲۵۱
۶- غار جراء	۲۵۳
۷- مسجد الاجابة	۲۵۵
وضع فعلی مسجد	۲۵۶
۸- قبرستان ابوطالب	۲۵۷
زیارت عبد مناف جد پیغمبر اکرم ۹	۲۶۱
زیارت عبدالمطلب جد دیگر پیغمبر ۹	۲۶۱
زیارت حضرت ابیطالب عموی پیغمبر اکرم و پدر بزرگوار	
علی بن ابیطالب ۱۱	۲۶۳
زیارت حضرت خدیجه، مادر حضرت زهرا ۱۱	۲۶۳
زیارت حضرت آمنه مادر پیغمبر اکرم ۱۱	۲۶۴

۲۶۵	 زیارت حضرت قاسم فرزند پیغمبر ۹
۲۶۶	 ۹-مسجد جن
۲۶۸	 ۱۰-مسجد شجره
۲۶۹	 ۱۱-مسجد رایث
۲۷۱	 ۱۲-مسجد بیعت
۲۷۲	 ۱۳-غار ثور
۲۷۴	 دعای غار ثور
۲۷۵	 ۱۴-مَوْلُیُ النَّبِیِّ «محل تولد پیغمبر ﷺ»
۲۷۸	 دعای در محل زادگاه پیغمبر ﷺ
۲۷۹	 نقشه‌ی تقریبی خانه‌ی حضرت پیغمبر ﷺ
۲۸۰	 ۱۵-خانه‌ی حضرت خدیجه
۲۸۲	 نقشه‌ی تقریبی خانه‌ی حضرت خدیجه
۲۸۴	 دعای محل تولد حضرت زهرا
۲۸۵	 ۱۶-خانه‌های اطراف صفا و مروه
۲۸۷	 ۱۷-حسین بن علی شهید فخ
۲۹۲	 ۱۸-مسجد تنعیم
۲۹۳	 ۱۹-مسجد جعرانه
۲۹۶	 چاه جعرانه
۲۹۶	 کاسه‌های سنگی
۲۹۷	 میقات
۲۹۷	 افضلیت جعرانه
۲۹۸	 ۲۰-مسجد حُدَیْبِیَّه

۳۰۱	نمایندگی پیغمبر
۳۰۲	انتشار خبر قتل عثمان
۳۰۲	بیعت رضوان
۳۰۴	حدیثیه و میقات
۳۰۵	۲۱-دعای وداع با خانه‌ی خدا

بخش دوم: مدینه‌ی منوره

۳۱۱	مقدمه
۳۱۱	بخشی از آداب زیارت
۳۱۴	فصل اول: شناختی از مدینه
۳۱۴	۱-مدینه‌ی منوره
۳۱۶	۲- مستحبات ورود به شهر مدینه
۳۱۸	فصل دوم: حرم پیغمبر ﷺ
۳۱۸	۱-مسجد النبی
۳۲۵	مسجد اصلی پیغمبر ﷺ
۳۲۶	ستون وفود
۳۲۶	ستون حَرَس
۳۲۷	ستون سریر
۳۲۷	ستون توبه
۳۲۹	دعای بعد از نماز ستون توبه
۳۳۰	ستون عایشه

۳۳۰	ستون مُخَلَّقَه
۳۳۱	ستون خَنَانَه
۳۳۳	منبر مسجد النبی
۳۳۶	محراب مسجد النبی
۳۳۷	۲- محراب تهجد
۳۳۷	۳- محراب فاطمه علیها السلام
۳۳۸	۴- محراب سلطان سلیمان (حتفی)
۳۳۸	۵- محراب عثمان
۳۳۹	۶- صُفَه
۳۴۰	۷- روضه‌ی مقدسه
۳۴۱	۸- حجره‌ی شریفه
۳۴۲	خانه‌ی عایشه
۳۴۳	قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله
۳۴۶	حدود ضریح که در مسجد قرار دارد
۳۴۷	۹- اذن دخول حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله
۳۴۹	۱۰- زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
۳۵۶	زیارت دیگری برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله
۳۵۷	زیارت سوم
۳۵۹	دعای بعد از نماز زیارت
۳۶۱	دعا در روضه‌ی شریفه
۳۶۴	۱۱- زیارت حضرت زهرا علیها السلام
۳۶۶	زیارت دوم حضرت زهرا علیها السلام

۳۷۵	۱۲- زیارت وداع پیغمبر ﷺ
۳۷۷	۱۳- وداع امامان بقیع علیهم السلام
۳۷۸	نقشه‌ی تقریبی حرم پیغمبر ﷺ
۳۷۸	الف- ستون‌ها
۳۷۸	ب- محراب‌ها
۳۷۸	ج- متفرقات
۳۷۹	نقشه‌ی تقریبی بقیع
۳۸۰	فصل سوم: حرم بقیع
۳۸۱	۱- قبور چهار امام شیعه
۳۸۲	۲- زیارت امامان بقیع
۳۸۳	اذن دخول حرم بقیع
۳۸۶	نماز زیارت
۳۸۶	۳- قبر فاطمه‌ی بنت اسد
۳۸۹	زیارت فاطمه‌ی بنت اسد
۳۸۹	مادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۳۹۱	۴- زیارت قبر عباس بن عبدالمطلب
۳۹۱	۵- قبور دختران پیامبر ﷺ
۳۹۲	زیارت دختران پیغمبر ﷺ
۳۹۳	۶- قبور همسران پیغمبر ﷺ
۳۹۵	۷- قبور عقیل و عبدالله جعفر
۳۹۷	عبدالله جعفر
۳۹۸	زیارت جناب عقیل و عبدالله جعفر

۳۹۹	۸- بیت الاحزان
۴۰۲	۹- قبور ابراهیم و عثمان بن مظعون
۴۰۲	۱۰- ابراهیم پسر رسول خدا
۴۰۴	زیارت ابراهیم
۴۰۷	۱۱- قبور محمد حنفیه و بعض امام زادگان
۴۰۷	۱۲- شهدای احد و حرّه
۴۱۰	زیارت شهدای حرّه و احد
۴۱۱	۱۳- قبر اسماعیل
۴۱۱	اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام
۴۱۳	زیارت اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام
۴۱۴	۱۴- زیارت حلیمه ی سعیدیه
۴۱۶	۱۵- سعد بن معاذ و ...
۴۱۹	۱۶- زیارت عمه های پیغمبر صلی الله علیه و آله
۴۲۱	۱۷- زیارت ام البنین
۴۲۳	۱۸- قبور سایر صحابه
۴۲۴	۱۹- عبدالله پدر بزرگوار پیغمبر صلی الله علیه و آله
۴۲۶	زیارت عبدالله پدر پیغمبر
۴۲۸	فصل سوم: اُحد
۴۲۸	شناختی از اُحد
۴۳۳	مساجد و اماکن متبرکه ی اُحد
۴۳۶	زیارت حضرت حمزه
۴۳۹	زیارت قبور شهدای اُحد

فصل چهارم: مسجد قبلتین	۴۴۱
فصل پنجم: احزاب، یا خندق	۴۴۶
۱- جنگ احزاب	۴۴۶
۲- مساجد احزاب	۴۵۲
۱- مسجد فتح	۴۵۲
۲ و ۳ و ۴- مسجد سلمان و عمر و ابوبکر	۴۵۴
۵- مسجد علی بن ابیطالب (علیه السلام)	۴۵۴
۶- مسجد فاطمه (علیها السلام)	۴۵۵
۷- مسجد دیگری که در این زمان اثری از آن نیست	۴۵۵
فصل ششم: قبا و مساجد آن	۴۵۶
۱- مسجد قبا	۴۵۶
۲- مسجد جامع	۴۶۰
۳- مسجد «فضیخ» یا «ردّ شمس»	۴۶۱
۴- مشربیه‌ی ام ابراهیم	۴۶۴
فصل هفتم: مسجد مباهله	۴۶۷
بخشی از اعمال روز مباهله	۴۷۲
فصل هشتم: بعض مساجد نزدیک حرم	۴۷۴
۱- مسجد غمامه (مصلی)	۴۷۴
۲- مسجد علی	۴۷۷
۳- مسجد ابوذر	۴۷۸
۴- سقیفه	۴۸۰

۲۸۳	بخش سوم: دعاها و زیارات
۲۸۵	دعای شب عرفه
۲۹۳	مستحبات و قوف در عرفات
۲۹۴	ادعیه‌ی وقوف در عرفات
۲۹۸	دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه
۵۲۱	دعای امام سجاد علیه السلام در روز عرفه
۵۳۸	زیارت جامعه‌ی کبیره
۵۴۸	دعای روز مباحله
۵۵۴	دعای عظم البلاء
۵۵۵	زیارت جامعه‌ی صغیره
۵۵۶	زیارت اهل قبور
۵۵۸	زیارت امامزادگان

به نام خدا



مقدمه چاپ دوم



کتابی که در دست شماست (سرزمین وحی) در سال ۱۳۷۳ هـ ش تألیف و در سال ۱۳۷۵ طبع گردید و مورد استقبال عده‌ی زیادی از زائران حرمین شریفین قرار گرفت.

با توجه به اینکه نسخه‌های آن نایاب، و بسیاری از کسانی که نام آن را شنیده و یا خود آن را دیده بودند که جامع‌ترین کتاب در این زمینه است تقاضای تجدید چاپ آن را می‌نمودند. از این رو مورد تجدید نظر قرار گرفت و پس از تغییراتی از نظر شکل، و افزودن مطالب بسیار مفیدی بر آن اقدام به طبع دوم آن گردید تا برای زائران سودمندتر واقع شود. ما توفیقی الا بالله،
فله الحمد و له الشکر

قم - مرتضی فہیم کرمانی / تلفن ۲۹۲۵۴۵۲

سوم صفر ۱۴۲۶ ق - ۸۳/۱۲/۲۴ ش



در راه خدا دو کعبه آمد منزل

یک کعبه صورت است و یک کعبه دل

تا بتوانی زیارت دلتا کن

کافزون ز هزار کعبه آمد یک دل

خواجه عبدالله انصاری

زیارت به معنای دیدار شخص بزرگ و ملاقات افراد بسیار

محترم است که در اصطلاح عرف، رفتن به حج و مشاهد متبرکه

و بقعه‌های امام‌زادگان را زیارت، و آنچه را که هنگام شرف‌یابی

در آن‌جا می‌خوانند زیارت‌نامه می‌گویند.

زیارت‌نامه‌ها اعم از مأثور و غیر مأثور بر دو دسته تقسیم

می‌شوند: یک دسته آن‌هایی هستند که وقت مخصوص و در

زمان معین خوانده می‌شوند، و دسته‌ی دیگر آن‌هایی که در هر وقت می‌توان خواند، نوع اول را زیارت مخصوص می‌گویند مانند: زیارت عاشورا، عرفه، اربعین و امثال آن‌ها، قسم دوم را زیارت مطلقه می‌نامند مانند: زیارت وارث، امین الله و...

امامان راستین اهمیت فوق‌العاده‌ای برای زیارت قائل بودند و با تعبیر گوناگون شیعیان خود را ترغیب به زیارت می‌کردند، با این‌که ستمگران و قدرتمندان حاکم، به‌خاطر این‌که زیارت و زیارت‌گاه‌ها را مغایر با مصالح شخصی خود می‌دانستند نمی‌گذاشتند کسی این فرهنگ را ترویج کند و حتی خود زیارت‌گاه‌ها را ویران و نابود می‌کردند در عین حال آن‌قدر زیارت و فضایل زیارت به وسیله‌ی شاگردان ائمه جمع‌آوری و ضبط شده است که تنها سه جلد از کتاب بحار مرحوم مجلسی به برخی از آن‌ها اختصاص یافته است.

اهمیت زیارت :

از نکات قابل توجه در این روایات این است که امامان معصوم علیهم‌السلام شیعیان خود را تشویق و ترغیب به زیارت کرده و پاداش‌های فراوان برای زائرانشان نقل کرده‌اند... در بسیاری از

آن‌ها وعده‌ی عفو گناهان داده شده (کامل الزیارات باب ۲ روایت ۱۸) و در بسیاری وعده‌ی بهشت و مقام‌های والا داده (همان مدرک روایت ۱۵ و ۱۶) و در بسیاری دیگر برابر با حج و عمره‌ی با پیغمبر ﷺ دانسته‌اند (همان مصدر روایت ۱۹). و در برخی روایات آمده اگر عارفاً به حق مزور، زیارت کند ثواب‌های بیشتری عایدشان خواهد شد.

با توجه به آنچه بیان گردید این سؤال پیش می‌آید؛ چه ارتباطی بین آن‌همه ثواب و بین زیارت وجود دارد؟ این همه ثواب چرا؟

گرچه در این نوشتار که به عنوان پیشگفتار نوشته می‌شود نمی‌توان علت آن را توضیح داد اما به نحو اجمال می‌توان گفت: علاوه بر این که زیارت نقش بسیار عمیقی در تبیین و تثبیت عقائد زائر دارد او را وادار به توبه‌ی از گناهان گذشته می‌نماید آنچنان این مسئله واجد اهمیت است که در محتوای خود زیارت‌ها هم زیاد به چشم می‌خورد که با خواندن زیارت فضایی برای توبه و بازگشت به خدا آماده می‌شود، بنابراین اگر پشیمانی از گناه از روی صدق و صفا باشد و از صمیم قلب استغفار نماید قطعاً این‌گونه توبه‌ها روح زائر را از آلودگی‌ها پاک می‌کند و او را

آماده‌ی ترقی و تکامل، و دریافت فیوضات ربانی می‌نماید. علاوه بر همه‌ی این‌ها زیارت بارگاه امامان معصوم و امام‌زادگان و الا مقام یادآور مصیبت‌ها و رنج‌های بی‌شمار آنان است که در راه اسلام و دفاع از آن متحمل شدند، یادآور ستمگری‌ها و نیرنگ‌بازی‌های جباران است که انسان را در مسیر خط امام و اهداف راستین او قرار می‌دهد، بنابراین زیارت امامان و امام‌زادگان، یعنی شرکت در حماسه‌های آنان و حرکت در موج ایشان، این‌گونه زیارت‌ها قطعاً انسان سازند، که پاداش انسان به غیر حساب خواهد بود.

زیارت مبارز ساز است

زائر از زیارت مزور و از فضای زیارت‌گاه درس مبارزه، درس قیام علیه باطل می‌آموزد، در کنار زیارت‌گاه می‌تواند شکل بگیرد و در مبارزه‌ی حق با باطل درگیر شود لذا می‌بینیم بسیاری از مبارزات و قیام‌ها از همین زیارتگاه‌ها و در کنار آن‌ها آغاز شده مثلاً:

۱- مبارزه‌ی حضرت زهرا علیها السلام علیه حکومت زمان خود در کنار قبر رسول خدا بود و گریه‌ی بر کنار آن را وسیله‌ای قرار داد

برای آگاهی امت غفلت زده.

۲- امام حسین علیه السلام وقتی که مجبور می شود در اثر فشار یزید مدینه را ترک کند در روزهای آخر بر سر قبر جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله می آید ضمن وداع با رسول خدا مبارزه ی خود را از آن نقطه ی مقدس آغاز می کند.

۳- اکثر امامان در مدینه ماندند و جز با ضرورت از آن جا و از کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله بیرون نرفتند این نبود جز این که مبارزه را در کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و در آن زیارت گاه مقدس برنامه ریزی کرده، شکل می دادند و حقائق را به مشتاقان راه خود می آموختند.

۴- امام هفتم علیه السلام نیز زیارت گاه پیامبر صلی الله علیه و آله را میدان مبارزه و نبرد با طاغوت زمان خود می نماید و آنان را رسوا می سازد.

۵- امام هشتم علیه السلام نیز هنگامی که مجبور شد به سوی خراسان روانه شود داخل مسجد شد و مکرر با قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله وداع کرد و صدایش به گریه بلند بود و در همین وداع بود که دست حضرت جواد را گرفت بر قبر گذاشت و از تمام وکیلان و پیروان خود خواست بعد از وی از او پیروی کنند که بدین وسیله عملاً ادامه ی نبرد علیه باطل را در کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد.

۶- امام نهم و دهم و یازدهم نیز مادامی که بالاجبار از مدینه بیرونشان نکرده بودند در همان جا مردم غفلت زده را رهبری می کردند و نهال مبارزه را کنار قبر جدشان در دل و جان مردم می کاشتند.

با توجه به آن چه گفته شد این نکته معلوم گردید که شخص زائر با زیارت امام و مراد خود می تواند یک انسان واقعی و یک مجاهد سلحشور الهی گردد و به مصداق «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً» لایق دریافت ثواب و پاداش های فراوانی گردد.

از این جا می توان اندکی نقش زیارت و زیارتگاه را فهمید، می توان فهمید زیارتگاه، الهام بخش، زندگی ساز و پایگاه حرکت و قیام است که از همان آغاز، پیغمبر ﷺ و امامان هدایت، این درس را به ما آموختند و به پیروان خود دستور می دادند به زیارت بروند هر چند با ترس و خوف همراه باشد، و حتی تا مرز دستگیری و زندان هم که شده زیارت را ترک نکنند که اینک به یک نمونه از آن موارد اشاره می کنم:

حسین پسر دختر ابو حمزه ی شمالی که از یاران باوفای امام سجاد علیه السلام است نقل کرده: در اواخر حکومت بنی امیه از کوفه

خارج شده، به طور مخفیانه و دور از چشم اهل شام برای زیارت قبر حسین علیه السلام راهی کربلا شدم، وقتی به کربلا رسیدم در یک ناحیه‌ای از شهر پنهان شدم تا نیمی از شب گذشت آن‌گاه در تاریکی شب به سوی قبر رفتم، همین‌که به نزدیکی‌های آن رسیدم مردی به سوی من آمد و گفت: «إِنْصَرِفْ مَا جُوراً فَإِنَّكَ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ» هم‌اکنون دسترسی به قبر نداری برگرد که اجر خود را برده‌ای. بایک دنیا ناراحتی و غم و اندوه برگشتم و نزدیکی‌های طلوع فجر دوباره به سوی قبر رفتم به همان حدود اولیه که رسیدم دوباره آن مرد آمد و همان سخن را تکرار کرد. در جوابش گفتم: خدا خیرت دهد آخر من از کوفه به همین مقصد آمده‌ام چرا نمی‌گذاری من به زیارت مولایم برسم؟ می‌ترسم اگر صبح طلوع کند و اهل شام (بنی امیه) مرا در این‌جا به بینند خونم را بریزند اجازه دهید من او را زیارت کنم و بی‌درنگ برگردم! آن‌گاه دنباله‌ی حدیث را نقل می‌کند. (کامل الزیارات ۱۱۲).

ملاحظه می‌فرمایید با این‌که رفتن به زیارت و حضور در زیارت گاه‌ها برای شیعیان خطر جانی وجود داشت در عین حال امامان معصوم آنان را ترغیب و تشویق می‌کردند ولی اگر در این روزگار کسی بخواهد اظهار عشق و علاقه به امام معصوم

خود نماید هزار و یک مانع از طرف خود همباوران برایش درست می‌کنند.

در هر صورت چون زیارت‌ها و زیارتگاه‌ها همیشه الهام‌بخش معنویت‌ها، آگاهی‌ها و حرکات‌ها و قیام‌ها بوده‌اند و حکومت‌های بیدادگر از این‌گونه آگاهی‌ها وحشت و دلهره داشته‌اند، به هر نحو ممکن، از رفتن مردم به سوی آن‌ها جلوگیری می‌کردند که این عمل از زمان بنی‌امیه با ایجاد رعب و وحشت، دستگیری و حبس، و شکنجه و قتل برگزار می‌شد.

بعد از بنی‌امیه حکومت بنی‌عباس نسبت به این مسأله حساسیت بیشتری پیدا کرد لذا بر فشارها و سختگیری‌ها افزود و چون شیعیان هم در مقابل آن همه سختگیری‌ها بیش از پیش و عاشقانه‌تر به سوی زیارتگاه‌ها روی می‌آوردند نتوانست از این طریق جلو حرکات‌ها و جوش و خروش‌ها را بگیرد دستور داد چند بار، بارگاه حسین علیه السلام را با خاک یکسان کردند که از این طریق هم نتیجه‌ای عایدش نشد و می‌دیدند که پس از مدتی دوباره وضع همان می‌شد که بود! و بالاخره مزار امامان مرکز تجمع شیعیان و محور گرایش فرهنگ آنان گردید. از امام باقر و امام صادق علیه السلام که در کنار بارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله شاگردان خود را

تربیت می‌کردند تا هم‌اکنون که حوزه‌های علمیه‌ی نجف و کربلا و قم و مشهد که به تربیت شاگردان شایسته می‌پردازند و از کیان اسلام و تشیع دفاع می‌کنند همه و همه از برکات و رحمت بی‌شمار این زیارتگاه‌ها است.

دشمنان زیارت

طبیعی است زیارت با آن‌همه آثار و حرکت آفرینی‌هایی که دارد نمی‌تواند بدون بازتاب باقی بماند لذا از همان آغاز، دشمنی با آن‌ها آغاز گردید و قبر حضرت زهرا مخفی شد.

قبر حضرت امیر علیه السلام هم ده‌ها سال پنهان بود و در هر زمانی قدرتمندان و سیاستمداران به شکلی با زیارت و زیارتگاه‌ها دشمنی خود را ظاهر می‌ساختند:

۱- در زمان بنی‌امیه گاهی از رفتن مردم، به زیارتگاه‌ها جلوگیری می‌کردند و گاهی اطراف شهرها و زیارتگاه‌ها را می‌بستند.

گاهی فشارها بیشتر می‌شد زائران را دستگیر و به زندان می‌افکندند.

گاهی شکنجه می‌دادند و گاهی هم آن‌ها را به قتل می‌رساندند.

و دیگر گاه گستاخی را آن قدر زیاد می کردند که خود بارگاه‌ها را تخریب و نابود می نمودند و بر آن‌ها آب می بستند یا تبدیل به فضای سبز می کردند تا دیگر هیچ اثری از آن‌ها باقی نماند.

۲- دشمنی با زیارت از طریق تزویر: از آن روزی که ستمگران سیاستمدار فهمیدند که مبارزه‌ی مستقیم با زائران زیارتگاه‌ها آثار مفیدی ندارد روش‌های دیگری برای این منظور اتخاذ کردند که باید آن روش‌ها را سیاست مأمونی و معاویه‌ای دانست خودشان را طرفدار و آستان بوس، معرفی می کردند، بارگاه‌ها را می ساختند و تزئین می کردند ولی تمام سعیشان بر آن بود که فقط حکومت و اهداف خودشان را توجیه کنند نه امام و زیارت‌گاه را، آن‌ها می خواستند از این طریق مردم را تحمیق و استعمار کنند تا از محتوای زیارت ناآگاه بمانند و گرنه هدفشان الهی نبود که این نوع سیاست و دشمنی از روزگاران پیش بوده و هنوز هم در بسیاری از امکنه و ازمنه ادامه دارد.

۳- دشمنی با زیارت، زیر پوشش توحید و یکتاپرستی.

این بار دشمن تحت عنوان این که گنبد و بارگاه و بوسیدن ضریح شرک است دست به جنایت هولناکی زد و تمام بارگاه‌ها و اماکن را ویران ساخت، این راه و روش از آن وهابی مسلکان و

پیروان «ابن تیمیه» بود که علاوه بر تخریب خانه‌های متبرکه‌ای اهل بیت و قبور آنان و اماکن مقدسه دست به کشتار مسلمانان زده، مصائب و دهشت‌ها به وجود آوردند و بسیاری از جاها را به آتش کشاندند.

در سال ۱۲۱۶ در روز عید غدیر به شهر کربلا شبیخون زدند و شروع به قتل و غارت کردند که در این هجوم وحشیانه‌ی غیر انسانی حدود سه هزار نفر از مؤمنین و مجاورین و از زوار را بدرجه‌ی شهادت رساندند و نسبت به بارگاه مقدس ابی عبدالله المظلوم علیه السلام بی‌احترامی‌ها کرده و خرابی‌های بسیار به بار آوردند.

در سال هزار و سیصد و چهل و یک فقهای وهابی مدینه، دستور دادند تمام قبور و بارگاه‌های متبرکه را که در مکه و جده بودند و هم‌چنین مراقد امام مجتبی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق علیهم السلام و قبر عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله، قبر ابراهیم فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله، و قبور همسران و عمه‌های آن حضرت و قبر فاطمه بنت اسد و قبر حضرت حمزه سید الشهداء سردار رشید اسلام عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله را در احد خراب کردند.

در هر صورت وهابی‌ها به پیروی از «ابن تیمیه» تحت عنوان

توحید و زیر پوشش یکتاپرستی شدیداً با زیارت مخالفت کرده، تمام نیروهای نظامی و ملی خود را برای ویران ساختن مراقد مقدسه تجهیز نمودند. و چون مسأله‌ی زیارت مسأله‌ی مخصوص شیعه نبود و بلکه مربوط به همه‌ی مسلمانان و همه‌ی ادیان و بلکه مربوط به همه‌ی انسان‌ها هست از این رو، نه تنها نتوانست شیعه را مغلوب و منکوب کند که حتی بزرگان از علماء و معاریف با انصاف اهل سنت نیز به مقابله‌ی با آنان برخاسته، رسماً افکار و هابیت را تخطئه و ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب را تکفیر کردند که ذیلاً به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

قضاتی که از اهل سنت «ابن تیمیه» را تکفیر کرده‌اند:

- ۱- تقی‌الدین سبکی در کتاب «شفاء السقام فی زیارة خیرالانام» و در کتاب «الدُّرَّةُ الْمُضِیَّةُ فِی الرَّیِّ عَلَی ابْنِ تَیْمِیَّةَ».
- ۲- تقی‌الدین ابی عبدالله اخناتی قاضی القضاة مالکی در کتاب «مقالة المرضیة».
- ۳- تقی‌الدین حصنی در کتاب «دفع الشبهة».
- ۴- فخر بن معلم قرشی در کتاب «نجم المهتدی و رجم المقتدی».

۵- تاج الدین فاکهانی در کتاب «المختارة في الرد على منكر الزیارة».

۶- ابو عبدالله محمد بن عبدالمجید قاسمی در کتابی به نام فوق.

۷- شیخ سلیمان بن عبدالوهاب برادر محمد بن عبدالوهاب در کتاب «صواعق الالهية في الرد على الوهابية».

۸- ابن حجر در کتاب «الفتاویٰ الحديثية».

۹- قسطلانی در کتاب «المواهب اللدنیة».

۱۰- زرقانی در شرح کتاب مواهب اللدنیة.

۱۱- برهان بن فَرَکاخ فَرّازی در حاشیه‌ی اعلامیه‌ی علمای شام.

۱۲- شعاب بن جمیل زیر همان اعلامیه.

۱۳- بدر بن جماعة در پشت آن اعلامیه نوشت: «...جلو

این‌گونه اشخاص را باید بگیرند و اجازه ندهند امثال این

فتوهای باطله را بدهند و اگر از دادن این‌گونه فتواها خودداری

نکردند باید زندانی شوند و به همه‌ی مردم اعلام شود تا کسی

فریب آنان را نخورد و تحت تأثیر قرار نگیرد».

۱۴- محمد بن ابراهیم بن سعد الله شافعی.

۱۵- محمد بن جریر المناوی حنفی.

۱۶- محمد ابن ابی بکر مالکی.

۱۷- احمد بن مقدسی حنبلی. این چهار نفر اخیر از قاضی القضاة های مذاهب اربعه ی آن زمان (۷۲۶) در مصر بودند.

افراد فوق الذکر برخی از فقهاء، قضاة و دانشمندان مذاهب اربعه ی اهل سنت در مصر، شام، مکه و سایر بلاد اسلامی بودند که تماماً «ابن تیمیه» را تکفیر و فتاوی او و همفکرانش را خلاف شرع و برخلاف دین مبین اسلام دانسته اند.

و بسیاری از آنان تصریح به جواز توسل و درخواست شفاعت در کنار مرقد مطهر پیغمبر ﷺ کرده اند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

توسل و استشفاع از رسول خدا ﷺ :

۱- قسطلانی در مواهب اللدنیة نوشته است: «شایسته است برای زائر قبر پیغمبر ﷺ زیاد دعا بخواند و زیاد تضرع و استغاثه نماید و سزاوار است به او متوسل شود و از او درخواست شفاعت نماید.

۲- زرقانی در شرح آن، جلد ۸ ص ۲۱۷ گفته است: «... سزاوار است به پیغمبر ﷺ متوسل شود و یا جاه و جلال او از خدا درخواست عفو و آمرزش کند...».

۳- حافظ ابن جوزی متوفای ۵۹۷ در کتاب «الوفاء فی فضائل المصطفی» یک باب به نام «باب التوسل بالنبی» و باب دیگری به نام: «باب الاستشفاع بقبره» تأسیس کرده و آن را از مستحبات شمرده است.

۴- شمس الدین ابو عبدالله محمد بن نعمان مالکی در کتاب «مصباح الظلام فی المستغیثین بخیر الانام».

۵- ابن داود مالک شاذلی در کتاب «البيان و الاختصار».

۶- تقی الدین سبکی در کتاب «شفاء السقام» ص ۱۲۰ تا ۱۳۳.

۷- سید نورالدین سمهودی در کتاب «وفاء الوفاء» ج ۲ ص ۴۱۹ تا ۴۳۱.

۸- الخالد البغدادی در کتاب «صلح الاخوان».

۹- العدوی الحمزاوی در کتاب «کنز المطالب» ص ۱۹۸.

۱۰- العزّامی شافعی در کتاب «فرقان القرآن».

این‌ها نمونه‌هایی از علماء بزرگ اهل سنت بودند که نه تنها توسل و شفاعت خواستن از قبر پیغمبر ﷺ را منع نکرده بلکه آن را مستحب دانسته و به آن تأکید کرده‌اند و در میان علماء فرق اسلامی غیر از ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب که از او پیروی کرده احدی قائل به حرمت زیارت و توسل و استشفاع و بوسه

زدن بر مرقد آن بزرگوار نشده است بلکه از همان روزهای آغازین اسلام، این عمل رسم بوده است که اینک به نمونه‌هایی از آنچه را که خود اهل سنت نقل کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

۱- وقتی که پیغمبر ﷺ از دنیا رفت و بدن اطهرش را دفن کردند فاطمه‌ی زهرا بر سر تربت پاکش آمد مقداری از خاک قبر را برداشت بر چشم گذاشت و گفت:

مَاذَا عَلَى مَنْ شِمَّ تُرْبَةَ أَحْمَدَ أَنْ لَا يَشُمَّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا
صُبَّتْ عَلَى مَضَائِبُ لَوْ أَنَّهَا صُبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا

که این داستان را ده‌ها نفر از بزرگان اهل سنت مانند ابن جوزی، قسطلانی، بزاوی، سمهودی، احمد زینی دحلان، خطیب شربینی و ابن حجر نقل کرده‌اند.

۲- بلال پس از رحلت پیغمبر ﷺ آن حضرت را در خواب دید که به او فرمود: بلال چرا به ما جفا می‌کنی و به زیارت ما نمی‌آیی؟ بلال پس از آن که از خواب بیدار شد بی‌درنگ به قصد زیارت پیغمبر ﷺ راهی مدینه گردید، وقتی که به حرم پیغمبر ﷺ رسید در حالی که گریه می‌کرد قبر آن حضرت را بوسه می‌زد و صورت خود را بر آن می‌مالید. این داستان را نیز بسیاری از بزرگان اهل سنت مانند ابن عساکر در تاریخ شام، ابن اثیر در

أسدالغابه ج ۱ ص ۲۰۸ سمهودی در وفاء الوفاء و قسطلانی در مواهب و بسیاری دیگر نقل کرده‌اند.

۳- روزی مروان خلیفه اموی دید مردی صورت بر قبر پیغمبر ﷺ نهاده و آن را می‌بوسد بی‌درنگ دست برد از پشت سر، گردنش را گرفت و با حالت اعتراض گفت می‌دانی چکار می‌کنی؟ منظورش این بود که وی بر خلاف توحید سنگ‌ها و خاک‌ها را می‌پرستد، در همین حال دید وی ابوایوب انصاری صحابه‌ی خاص رسول خدا است، ابوایوب در جواب مروان فرمود: آری می‌دانم چه می‌کنم! من سنگ‌ها را نمی‌بوسم بلکه رسول خدا را زیارت می‌کنم، من شنیدم رسول خدا می‌فرمود: «هرگاه افراد اهل و دین شناس متصدی امور دینی شدند در آن هنگام غم دین را نخورید، ولی آن‌گاه که نااهلان متصدی امور دین گردند بر آن اشک بریزید».

منظور ابوایوب از نقل این حدیث آن بود که نااهلانی از قبیل مروان که نه دین را فهمیده‌اند و نه حاضرند از دین آموزان واقعی یاد بگیرند، نه تنها غم خوار دین نیستند که دشمن دین خواهند بود و ضرر و زیانی که از ناحیه‌ی این‌گونه افراد بر دین وارد می‌شود به مراتب از فوایدی که می‌رسانند بیشتر خواهد بود.

این داستان را نیز حاکم در مستدرک ج ۴ ص ۵۱۵ و ذهبی در تلخیص آن و سبکی در شفاء السقام ص ۱۱۳ و سمهودی در وفاء الوفاء ج ۲ ص ۴۱۰ و هیثمی در مجمع الزوائد و بسیاری دیگر نقل کرده و هیچ کدام اعتراض مروان را وارد ندانسته اند.

بسیاری از این گونه موارد را که بزرگان اهل سنت نقل کرده و آن ها را موافق شرع و بلکه مستحب دانسته اند مرحوم علامه ی امینی در جلد پنجم الفدیر آورده است طالبان می توانند مراجعه کنند که این پیشگفتار گنجایش آن را ندارد.

در خاتمه از صاحب نظران و اسلام شناسان تقاضا دارم این نوشتار را با چشم اصلاح و انتقاد بنگرند، و این خامه ی ناتوان را در جهت اصلاح عیوبش که فراوانند یاری دهند تا انشاء الله پس از رسیدن به کمال برای عموم خوانندگان مفید واقع گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

قم - مرتضیٰ فهیم کرمانی

مهر ۱۳۷۴ هجری شمسی